

گفت‌و‌گو با محمد علی نجفی به مناسبت انتشار آلبوم «سربداران»:

«فخرالدینی»، پیشنهاد «علیزاده» بود



«مرجان صابئی»

کمتر پیش می‌آید موسیقی متن فیلمی، ۳۰ سال بعد از بخش آن منتشر شود. انتشار آلبوم موسیقی «سربداران» یکی از بهترین اتفاقات چندماه اخیر در بازار موسیقی بود؛ موسیقی سریالی نوستالژیک که در روزگاری که تلویزیون تنها دوغانال داشت، به یکی از پربرگ‌ترین خاطرات تلویزیونی دوران جنگ تبدیل شد. شاید به همین دلیل با اینکه ۳۰ سال از پخش این سریال گذشته، همچنان شنیدنی است. البته نباید از خلافت فرهاد فخرالدینی غافل شد؛ آهنگسازی که سریال‌های دیگری همچون «بوعلی سینا»، «امام‌علی»، «روزی روزگاری» و «کیف انگلیسی» را در حافظه شنیداری ما ماندگار کرد. فرهاد فخرالدینی در شرایطی ساخت موسیقی سریال سربداران را پذیرفت که از ارکستر رادیو و تلویزیون استعفا داده بود و عملاً از دنیای موسیقی فاصله گرفته بود؛ روزی که محمدعلی نجفی و رضا رهگذار و حسین علیزاده پیشنهاد ساخت این موسیقی را به او دادند، ابتدا مخالفت کرد، اما نجفی شرایطی مهیا کرد تا فخرالدینی به چیزی جز موسیقی فکر نکند. با وجود اینکه چندماه از انتشار این آلبوم می‌گذرد، اما خالی از لطف نیست که داستان ساخت موسیقی این سریال را از زبان محمدعلی نجفی کارگردان سربداران بشنویم. شاید نکاتی ظریف در خلال همین خاطرات کوتاه، پاسخی به چرایی ماندگاری این قبیل آثار و بیکار مصرف‌شدن اکثر تولیدات این روزها باشد.

۷ **چطور بعد از این همه سال قرار شد موسیقی سربداران منتشر شود؟**

دخترم سارا آهنگساز است؛ در دانشگاه و به طور خصوصی هم شاگرد آقای فخرالدینی بود. سارا در استودیو «صبیا» کار می‌کرد که سال‌ها پیش موسیقی سربداران در همین استودیو توسط آقای عابدینی ضبط شده بود. همان‌جا وقتی صحبت از موسیقی سربداران شده بود، سارا گفته بود ما نوارهای ریلی سربداران را داریم و طی صحبت‌هایی که با آقای عابدینی داشت، قرار شد این اثر دوباره ادیت و منتشر شود. من و سارا با آقای فخرالدینی قرار گذاشتیم و موضوع را طرح کردیم. آقای فخرالدینی، آقای عابدینی را به‌خوبی می‌شناخت و از این کار استقبال کرد و این ارتباط شکل گرفت، در واقع نطفه این کار دوسال پیش در همان دیدار بسته شد. تا اینکه بالاخره چندماه پیش این آلبوم منتشر شد.

۷ **از شکل‌گیری و پروسه ساخت موسیقی سربداران بگویید. چطور شد سراغ فرهاد فخرالدینی رفتید؟**

تاریخچه موسیقی سربداران خیلی جالب است؛ درواقع باید به سال‌ها پیش برگردم؛ یعنی سال ۶۰. من و آقای رهگذار (نویسنده این سریال) نسبت به تمام ابعاد این کار خیلی حساس بودیم و سعی می‌کردیم تا جایی که امکان دارد و شرایط ایران اجازه می‌دهد، همه‌چیز بهترین باشد، مثلاً برای این کار آقای خورشیدی اولین‌بار به تئاتر برای طراحی صحنه به تلویزیون آمدند یا به‌طور مثال از آن زمان طراحی کریم باب شد؛ نمونه بارزش کریم مرحوم فیروز بهجت‌محمدی.

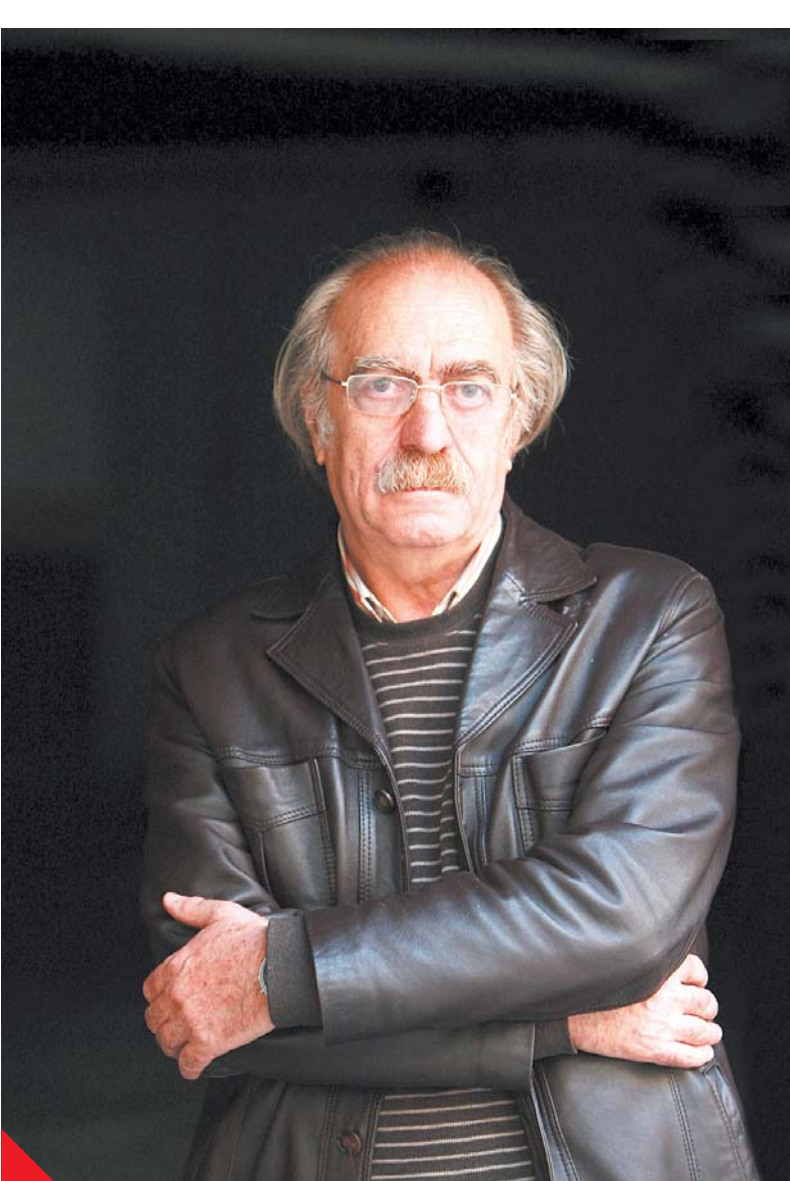
۷ **یعنی تا آن زمان طراحی کریم در ایران باب نبود؟**
برای این فیلم «سوته‌لان» کریم آقای ونوقی را طراحی کرد؛ تا قبل از آن، کریم‌ها خیلی معمولی بود و به این شکل نبود که با کریم یک شخصیت بسازید. اما از بعد از سربداران باب شد و هزاردستان هم همان دوران شروع

شد که طراحی‌های کریم عجیبی داشت؛ مثل کریم شخصیت محمدعلی کشاورز... ما در سربداران باید بازسازی تاریخی از چهره‌هایی می‌کردیم که هیچ نمودی از آن نداشتیم، مثل کریم متفاوت مرحوم جمشید لایق که دقنوش را بازی می‌کردند؛ یکی ارغون‌شاه و دیگری گدای شهر. با کریم آقای محبوب که ایشان هم دونقش را بازی کردند. یادم هست کریم آقای بهجت‌محمدی که نقش طغای را بازی می‌کرد، هفت‌ساعت طول می‌کشید. منظرم این است که جزئیات و ابعاد مختلف کار برای ما بسیار اهمیت داشت. در مورد موسیقی هم من از طریق آقای زکان با آقای حسین علیزاده آشنا شدم؛ در ابتدا هم با آقای علیزاده درباره ساخت موسیقی سربداران صحبت کردیم اما خودشان گفتند: این کار آقای فخرالدینی است و خودشان هم قرار ملاقات با ایشان را هماهنگ کردند.

۷ **شما، آقای فخرالدینی را نمی‌شناختید؟**

فرهاد فخرالدینی را از طریق برنامه گلها دوردور می‌شناختم. به نظر کارشان خیلی متفاوت از تصویری بود که برای موسیقی سربداران داشتم ولی بعد از اینکه سناریو را خواندند و بعد از جلسات متعددی که با هم داشتیم، متوجه شدم چرا حسین علیزاده برای ساخت موسیقی آقای فخرالدینی را پیشنهاد کرد.

۷ **چطور به یک تعامل حسی با آهنگساز رسیدید؟**
خیلی ماجرا داشتیم، شب‌های عجیبی را با آقای



عکس تهرودی حسینی، فخرالدینی

۷ **جای دیگری از موسیقی هم بود که بخواهید حسی که داشتید را به آقای فخرالدینی منتقل کنید؟**

یادم هست با آقای شجاع‌نوری در هتل امیرکبیر در کاشان بودیم، خب بعضی اوقات آدم با خودش زیر لب چیزی را زمزمه می‌کند، من در حمام یک ملودی را با دهان زمزمه کردم. وقتی از حمام بیرون آمدم، شجاع‌نوری گفت: این چه آهنگی بود؟ گفتم: نمی‌دانم ولی این حس من است که دوست دارم تبدیل به موسیقی سربداران شود.

۷ **این اتفاق افتاد؟**

من دخالت مستقیم در ساخت موسیقی نداشتم، اما ادعا می‌کنم شرایطی ایجاد کردم که یک استاد موسیقی آن چیزی را که می‌خواهد بسازد. در واقع من لحظه‌لحظه با دکور و نورپردازی و موسیقی این کار زندگی کردم. این کار برای همه ما شبیه یک آکادمی بود و دیگر برایمان تکرار نشد.

۷ **به نظرتان چرا موسیقی‌های ماندگاری که شناسنامه یک اثر سینمایی هستند، به‌مرور زمان همین‌طور از تعدادشان کم شده؟**

به‌طور کلی هنر بازتاب فرهنگی یک جامعه است؛ فرهنگ هم یک امر انتزاعی نیست و براساس روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد و زمانی که فرهنگ سیر نزولی داشته باشد، بالطبع کیفیت آثار هنری هم پایین می‌آید. معیار ارزش‌ها برای ما در آن زمان کارمان بود؛ تازه انقلاب شده بود و خودمان را صاحب انقلاب می‌دانستیم و دلمان برای انقلاب التهاب داشت و دوست داشتیم جامعه از نظر فرهنگی شکل بگیرد. الان معیار ارزش‌ها پول است. شما با پول می‌توانید ارزش‌گذاری کنید و طبیعتاً این دقت‌فر همدیگر را نقض می‌کنند. من ۱۰ سال پیش فیلم «زاگرس» را ساختم و الان تازه این حس را پیدا کرده‌ام تا «اشک زاینده‌رود» را بسازم، یعنی ۱۰سال طول کشید تا انگیزه دوباره برای کار پیدا کنم. البته شغل اصلی من معماری است، ولی خیلی‌ها شغلشان فقط سینماست.

۷ **برای موسیقی کار جدیتان ممکن است دوباره با آقای فخرالدینی همکاری کنید؟**

این را باید از ایشان پرسید. یک مثلی هست که یک‌نفر می‌خواست با دختری ازدواج کند. دوستانش از او پرسیدند کار به کجا رسید؟ گفت ۵۰درصد کار حل شد! دوست‌اش گفتند چطور؟ گفت من و خانوادهم راضی هستیم فقط مانده رضایت آنها! حالا حکایت ماست (خنده) باعث افتخارم است که با ایشان کار کنم. ما چندین‌کار با هم کرده‌ایم مثل بوعلی سینا، گزارش یک قتل و پرستار شب. به نظر موسیقی «پرستار شب» یک اثر استثنایی است. همچنین موسیقی فیلم «گزارش یک قتل» و جالب است که آقای فخرالدینی دوسال پشت‌سر هم برنده جایزه موسیقی فیلم فجر شدند.

۷ **به نظرتان انتشار این آثار در حال حاضر چه تأثیری دارد؟**

تولید آثار تبه‌وون و موتزارت چه تأثیری دارد، یا برنامه گلها چه تأثیری در فرهنگ ما داشته است. الان در حالی‌که همه موسیقی‌ها الکترونیکی شده، به نظر انتشار چنین آثاری غنیمت است. حسن موسیقی سربداران این بود که برای همان اثر ساخته شد، ما یک آهنگ را بردناشتیم روی فیلم بگذاریم. وقتی دخترم می‌خواست موسیقی فیلم «زاگرس» را بسازد، به او گفتم برای ساخت موسیقی فیلم باید حس کارگردان را بگیري و آن را به موسیقی تبدیل کنی. تصور می‌کنم این اتفاقی بود که برای سربداران افتاد؛ برای همین من و شما بعد از ۳۰ سال می‌شنیم و درباره این موسیقی صحبت می‌کنیم.

هنر

ریشه

پس از۴۵سال «گاو» برپرده‌نق‌های نقش‌می‌بندد

شرق: در ۴۵سالگی فیلم گاو، این فیلم بار دیگر نوروز۹۴ بر پرده نق‌های نقش می‌بندد. نسخه مرمت‌شده فیلم گاو درحالی قرار است بعد از ۴۵سال با ۱۰اسپمای هنر و تجربه به سینماها بازگردد که هنوز بخشی از فیلم‌های اکران نوروزی مشخص نیستند. فیلم گاو دومین ساخته بلند داریوش مهرجویی است که سال۱۳۴۸ خورشیدی براساس یکی از داستان‌های فرعی نمایشنامه عزاداران ییل اثر غلامحسین ساعدی ساخته شده است. ساعدی این نمایشنامه را براساس پیشنهاد جعفر والی برای اجرا در صحنه نوشت و با بازی عزت‌الله انتظامی و علی نصیریان در نقش‌های اصلی و کارگردانی جعفر والی در تالار سنگلج به صحنه رفت و توانست در سال۴۷ به‌عنوان بهترین نمایشنامه سال انتخاب شود. مهرجویی در نسخه سینمایی از بازیگران همان نمایشنامه استفاده کرد و آن را جلو دوربین برد. این فیلم در جشنواره‌های کن، برلین، مسکو، لندن، لس‌آنجلس و... به نمایش درآمده است و توانسته نخستین جایزه بین‌المللی سینمای ایران را به نام خود ثبت کند.

این فیلم در رای‌گیری منتقدان سینمای ایران در سال‌های۱۳۶۷، ۱۳۵۱و۱۳۷۸ به‌عنوان بهترین فیلم تاریخ سینمای ایران برگزیده شده است. اما به‌جز این فیلم هنوز سرنوشت اکران نوروزی در هاله‌ای از ابهام است. درحالی که غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش از قطعی‌نشدن گزینه‌های اکران نوروزی به ایسنا گفته است، خبرگزاری فارس فهرست پنج‌فیلم را به‌عنوان گزینه‌های اصلی اکران نوروزی اعلام کرده است. در این فهرست فیلم‌های سینمایی «ایران‌پرگو» ساخته مسعود جعفری جوزانی، «رخ دیوانه»، ساخته ابوالحسن داوودی و «دوران عاشقی» علیرضا ریسیان متقاضی اکران نوروز۹۴ هستند که اکران این آثار در نوروز۹۴ قطعی شده است. همچنین فیلم‌های سینمایی «ماهی سیاه کوچولو»، ساخته مجید اسماعیلی، «طعم شیرین خیال»، کمال تبریزی، «روابه»، بهروز افخمی و «من دیگو مارادونا هستم»، ساخته بهرام توکلی نیز متقاضی اکران نوروز هستند که در این میان فیلم‌های علاقه‌مندان است. آثار دیگر عکس‌های منتخب آنها را می‌توانید در کافه گلاری خانه سینما تا ۱۹اسفندماه ببینید. این نمایشگاه عکس به همت انجمن عکاسان خانه سینما برگزار شده و قرار است به‌مرور و در طول سال، آثار دیگر عکاسان سینمای ایران نیز در کافه گلاری خانه سینما به نمایش گذاشته شود. «انجمن عکاسان» خانه سینما قصد دارد به‌مرور فعالیتش را در زمینه معرفی هرچه‌بهتر عکس‌ها در این صنف انجام دهد.

پژواک

رضا آریایی، نفاول فستیوال آهنگسازی۲۰۱۵ هرکس هنر را تعریف کرداز افرارکن

سیمین سلیمانی

رضا آریایی دانشجوی موسیقی در رشته رهبری ارکستر، در فستیوال آهنگسازی بین‌دانشگاهی و بین‌المللی سال ۲۰۱۵ به عنوان نفر اول انتخاب شد. آریایی سال ۸۹ پیش از آنکه موسیقی را به صورت آکادمیک در خارج از کشور ادامه دهد، در جشنواره «صدای برتر» نفر اول شد. او سال ۹۲ هم در جشنواره آهنگسازان جوان با قطعه «پرواز» موفق به کسب مقام اول شده است. این آهنگساز درباره شرکت در فستیوال آهنگسازی به «شرق» گفت: «فستیوال آهنگسازی بین دانشگاهی بین‌المللی ۲۰۱۵ به صورت مجازی برگزار شد. من پنج‌اثر فرستادم که از این پنج‌اثر، چهاراثر را قبلاً در نیشابور ساخته بودم؛ آثاری که از نظر علمی مطرح بود و ریاضیات خاص موسیقایی داشت. اثر آخر را که ملودی‌محور بود نیز در حین تحصیل در دانشگاه ساختم. هدف از ساخت این اثر ملودی‌محور، محک قدرت آهنگسازی بود که در آن بیان حس و خلافت نیز اهمیت داشت. این اثر به نام «زندگی خواب‌ها» که البته از شعر سهراب نیز برگرفته شده به عنوان دمو فرستاده شد. من گیتار را انتخاب کرده و زیر این کار سوت زدم و با صدای نفس‌کشیدن و... یک دمو ایجاد کردم. خوشبختانه این آثار توانست در بین ۱۰اثر برگزیده دنیا قرار گیرد و عنوان اولی کسب کند.» او ادامه می‌دهد: «به‌عقیده من موسیقی، زبان احساس است و در هرقالی‌که می‌توان باید آن را جاری کرد؛ گرچه خود من به موسیقی فولک علاقه بیشتری دارم، اما می‌بینم با اینکه ذهنم شرقی ولی کاری فرستاده‌ام که با کارهای غربی رقابت می‌کند و جایگاه برتر را به دست می‌آورد. در نتیجه مهم، بیان و ارایه حس در هرسبکی است.»

آریایی درباره رشته‌اش، رهبری ارکستر می‌گوید: «دانشگاه‌های ما در بحث موسیقی ایرانی خوندن ولی در زمینه کلاسیک اسانید درجه‌یک کم داریم. وقتی در دانشگاهی تحصیل کنید که اسانیدی چون هانس زیمِر یا ریچارد کلایدِرمَن و ولادیمیر آشنکنازی و... در آن تدریس می‌کنند، طبیعتاً موقعیت یادگیری بهتری خواهید داشت. رشته‌ای که من در آن تحصیل می‌کنم یعنی رهبری ارکستر در ایران هنوز جانپناهده، با اینکه در برخی دانشگاه‌ها این رشته تدریس می‌شود، ولی برای مثال ما در این رشته درسی به نام آریویک Conductor داریم که خیلی در ایران به آن توجه نمی‌شود. این درس هماهنگی و اصول‌مندی حرکات رهبر ارکستر است که به‌ذوق یک رقص یا ورزش موسیقایی محسوب می‌شود.»

این آهنگساز درباره پژوهش‌هایش در زمینه موسیقی فولک می‌گوید: «موسیقی ملی هرکشوری برگرفته از فولک‌های آن کشور است، همان‌طور که در کشور خود ما مقام‌ها جمع شده و ردیف‌ها را تشکیل داده‌اند. در نتیجه موسیقی جهان را همین موسیقی‌های فولک ساخته‌اند چراکه موسیقی و هنر زاینده تمدن و یکجانشینی است. خود من که زاده نیشابورم، از دوسال پیش از نزدیک موسیقی فولک نیشابور هستم. خیلی‌ها می‌گفتند نیشابور، موسیقی فولک ندارد و درواقع موسیقی خراسان را به دوبخش شمال و جنوب تقسیم کرده‌اند، اما واقعیت این است که شهر نیشابور به لحاظ تمدن و قدمت تاریخی از تمام این شهرها کهن‌تر است و در تمدن خود همه آثار هنری را دارد. چطور ممکن است هنری که زاینده یکجانشینی است موسیقی فولک نداشته‌باشد؟ نیشابور موسیقی فولک دارد اما کم شده. باید روی آن کار کرد البته در این زمینه پژوهش‌هایی انجام داده و به مقام‌هایی دست پیدا کرده‌ام که نه متعلق به شمال خراسان است و نه جنوب. همچنین در اشعار آن نشانه‌ها و آدرس‌هایی که متعلق به خود نیشابور قدیم است، وجود دارد. آنها را از جوان‌ها و بخشی‌ها و افراد کهنسالی که در نیشابور بوده‌اند، تحقیق کرده و در کنار هم قرار داده‌ام. برای مثال مقام گل‌ممد که یکی از نزدیک‌ترین موسیقی‌های فولک نیشابور در حال حاضر است، به این شهر تعلق دارد. من موفق شدم آن را در موسسه بین‌المللی بنیاد باخ آلمان به عنوان یک مقام نیشابوری و به نام خود ثبت کنم. حاضرم با هرکدام از بخشی‌ها و کسانی که در این زمینه فعالیت دارند، بشنیم و بحث و اثبات کنم که این مقام، متعلق به نیشابور است، گرچه آن را به گونه دیگری و با مقام دیگری خوانده‌اند. گل‌ممد کلمه‌یشتی، زاده نیشابور است و ساکن این شهر و روستایی که تا دوسال پیش از روستاهای نیشابور بود و به‌تازگی در تقسیمات کشوری به شهر دیگری الحاق شده. اما در هرحال خود گل‌ممد نیشابوری بوده و مردم نیشابور شاهد وقایع و اتفاقات مربوط به گل‌ممد بوده‌اند و اشعار آن را همین مردم منطقه نیشابور ساخته‌اند.

وقتی در بنیاد باخ آلمان این مقام را خواندم، همه گریه می‌کردند، چون این مقام را به اصل‌ترین شکل آن و با همان لهجه اصل نیشابوری و همان مقام خودش خواندم این در حالی بود که خیلی‌ها به من گفتند در آلمان آن را به زبان خراسانی که همه می‌خوانند، بخوانم ولی قبول نکردم و آن را با همین لهجه نیشابوری خواندم چون خود گل‌ممد نیشابوری بوده و حتی در کتاب کلیدر محمود دولت‌آبادی نیز اشاراتی به آن شده است. هم‌اکنون نیز نمی‌گویم این مقام تکمیل شده، ولی نزدیک‌ترین نظریه به واقعیت است و من فقط دوسال روی همین یک مقام‌کار کرده و با اسانید صحت کرده‌ام.»

درباره شروع کارش می‌گوید: «از چهارسالگی شروع به حفظ مکتاب کردم و در هفت‌سالگی اولین مکتب موسیقی (مکتب کریمی) را حفظ کردم. تا ۲۰سالگی پنج‌مکتب را به صورت کامل حفظ کرده و دومکتب دیگر یعنی مکتب استاد شجریان و استاد ایرج را دارم تکمیل می‌کنم.» آریایی درباره مشکلات موسیقی ایران می‌گوید: «متأسفانه خوانندگان به‌راحتی در برخی شهرهای کشور ما یک ساعت مانده به اجرای کنسرت، موسیقی را لغو می‌کنند. طبیعتاً این‌ها به موسیقی ضربه می‌زند. در یکی از کشورهای خارجی بنا بر دلایلی کنسرتی لغو شد و تهیه‌کننده علاوه بر عودت هزینه مخاطبان به صورت کامل تمام مبلغ هنرمندان را نیز به آنها داد بدون اینکه اجرایی داشته باشند. متأسفانه موسیقی در ایران مرده است. باید مد مسیاحی به آن داده شود و باید مسوولان نیز در این رابطه کمک کنند.»

رضا آریایی همچنین معتقد است هنرمندان نباید خود را برای مردم بُت کنند. در این‌باره اضافه می‌کند: «یکی از دلایلی که هنر ما با مشکل مواجه شده همین است، برخی از هنرمندان خودشان این را می‌خواهند و از مردم فاصله می‌گیرند در حالی که در ذات هنر باید تواضع و افتادگی وجود داشته باشد. متأسفانه گاهی دیده می‌شود برخی هنرمندان عمداً فاصله می‌گیرند.»

ابراهیم ابراهیمیان کارگردان «ارسال یک آگهی تسلیت برای روزنامه»

آدم‌ها را پیچیده می‌بینم

بسته روایت می‌شدند، در جشنواره حضور داشت و به‌مرور بیشتر شبیه موجی در سینمای ایران شده است. برخی از منتقدان روی این نکته تأکید بسیاری دارند که **بهتر است فضایی که فیلم‌هایمان در آن روایت می‌شود را تغییر دهیم. این نقد در زمان حضور«ارسال...» در جشنواره نیز نسبت به آن مطرح شد. اصلاً لزوم روایت فیلم در یک‌جهان بسته چه بود؟**

کار این فیلم روایت فرسایش بار جهانی فردگراست. فرض کنید آدمی در سلول انفرادی محبوس است و جرمش قتل عمد است، جهان این آدم را چطور روایت می‌کنید؟ مگر می‌شود جهان او را در چندمکان روایت کرد؛ آن‌هم جهان محبوس بودن او را. البته شاید این به من برمی‌گردد که جهان بسته این فیلم به گونه‌ای تصویر شده که مخاطب را به این‌سو کشانده است اما فراتر از قصه‌ای که در فیلم روایت می‌شود، معتقدم ما در جهانی زندگی می‌کنیم که مواردی مثل تکنولوژی یا شکستن مرزها تنها ما را به انزوا نزدیک‌تر می‌کند. آدم‌ها هرروز تتهاتر می‌شوند و این تنها مختص کشور ما نیست، هرچند معتقدم تأثیرش در کشور ما بیشتر است به‌این‌دلیل که اساساً ما آدم‌هایی با فرهنگ‌ی جمعی هستیم. در این فیلم، «طاها» باید از پیرمردی نگهداری کند که نمی‌تواند حرکت کند و حتی برای نیازهای اولیه‌اش نیازمند«طاها»ست و نمی‌تواند از خانه خارج شود.

۷ **البته برداشتی که از فیلم«امادور»هم داشتید در مخالفت با این فیلم بی‌تأثیر نبود...**

برداشت نیست، نگاهی به آن فیلم است. این موضوع برایم بسیار عجیب بود و از کسانی در سینما این موضوع را شنیدم که حقیقتاً برایشان متاسفم چون حتی آن فیلم را ندیده‌اند اما با اعتمادبه‌نفس من را به این متهم می‌کنند که «ارسال...» شبیه به آن فیلم ساخته شده است. این دوفیلم تنها در یک‌موقعیت به‌هم شبیه‌اند و من عامدانه از این موضوع استفاده کردم. متأسفانه این موضوع مثل یک‌بیماری در ما ریشه دوانده است که بی‌دلیل مدام یکدیگر را قضاوت کنیم.

در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم کافی است دستت را دراز کنی تا

رویداد

برپایی نمایشگاه عکس‌های نیک‌رفتار

شرق: پنجم‌اسفندماه نمایشگاهی در عکس‌های علی نیک‌رفتار، عکاس با سابقه سینما در کافه گلاری خانه سینما برگزار شد که استقبال هنرمندان و مردم را به‌همراه داشت. این نمایشگاه با تعدادی از عکس‌های منتخب علی نیک‌رفتار از فیلم‌های پذیرای علاقه‌مندان است. «قصه پریا»، «کیفر»، «بوی کافور، عطر یاس»، «راه آبی ایریشم»، «یه‌حبه قند»، «اینجا بدون من»، «پرقال خونی»، «زادیوم»، «دیوانه از قفس پرید» و «طلب بزرگ زیر پای چپ» از جمله عکس‌های منتخب آنها را می‌توانید در کافه گلاری خانه سینما تا ۱۹اسفندماه ببینید. این نمایشگاه عکس به همت انجمن عکاسان خانه سینما برگزار شده و قرار است به‌مرور و در طول سال، آثار دیگر عکاسان سینمای ایران نیز در کافه گلاری خانه سینما به نمایش گذاشته شود. «انجمن عکاسان» خانه سینما قصد دارد به‌مرور فعالیتش را در زمینه معرفی هرچه‌بهتر عکس‌ها در این صنف انجام دهد.